

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: مصمیم

شترق روزنامه

دوشنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۴ • ۱۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۷ • ۱۰ نوامبر ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۵۱ • ۱۲ صفحه • اذان ظهرتهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۰۲ • اذان صبح فردا ۵:۱۰ • طلوع آفتاب ۶:۳۶

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

طنزخوانی

بهراستی فدراسیون فوتبال از جان ازبکستان چه می‌خواهد؟



آیدین سیار سریع

چون در روزهای گذشته به اکثر مشکلات مملکت در این ستون پرداخته‌ایم و در کمال تعجب حل‌شان هم کرده‌ایم، امروز خدا را شکر مشکل خاصی در کشور دیده نمی‌شود. خوشبختانه با تلاش‌های مجدانه عزیزان، ملی‌گرایی تقویت شده، شاپورها جانمایی و نصب شده‌اند، بحران آب تا حد خوبی مهار شده، رسانیی آرام‌تر است، ظرفیت صحبت نمی‌کنند و همان‌طور که می‌بینید مشکل خاصی وجود ندارد.

حالا که شرایط کمی آرام‌تر شده، من با خیال راحت می‌توانم به دغدغه‌های شخصی‌ام در این ستون بپردازم. اگر شما هم مثل من تنها پناهگاه‌تان فوتبال باشد، حتما می‌دانید که دوباره با ایجاد وقفه در بازی‌های باشگاهی و شروع شدن بازی‌های ملی، بمب خورده توی تنها پناهگاه‌مان. خدا لعنت کند فیفا را. باور کنید، باور کنید اینها سادیس‌م دارند.

آدم تا گرم دنبال‌کردن بازی‌های تیمش می‌شود فیفا یهو می‌برد وسط و با لبخند مودبانه‌اش می‌گوید: «زیادی داره بهتون خوش می‌گذره شیطانوا. به وُله ببینیم، بکم [...] توی عیشتون دوباره برمی‌گردیم». فدراسیون فوتبال کشور هم انصافا با وجود بی‌مهری‌های منتقدان، خالصانه تلاش می‌کند اعصاب علاقه‌مندان به فوتبال را در حد وسع خودش خراب کند و در آخرین دستاوردش، در یک تورنمنت چهارجانبه شرکت کرده که شرایط مسابقه به این شکل است که اگر ما در مسابقه اول کیپ‌ورد را ببریم، با برنده مصر و ازبکستان بازی خواهیم کرد.

همان‌طور که همچنان بعد از سال‌ها این سؤال مطرح است که مارها از جان عسگر چه می‌خواوند، این سؤال هم مطرح است که به‌راستی فدراسیون فوتبال ایران از جان ازبکستان چه می‌خواهد؟ واقعا این تکرر بازی با ازبکستان دیگر عجیب شده. ازبکستان در این چند سال بیشتر از آنکه خانواده‌اش را دیده باشد، امیر قلعه‌نویی را دیده است. من نمی‌دانم عزیزان فدراسیون دنبال چه می‌گردند در ازبکستان؟ حقیقتا هدف‌تان چیست؟ فکر می‌کنید ازبکستان عوض می‌شود هر دفعه؟ حرف‌تان در جام جهانی شبیه به ازبکستان بازی می‌کند؟ تصورات این است که ازبکستان در بازی‌های قبلی جزئی کرده و کله‌تان عصبی شده و می‌گویید به دست دیگه برنیم این دفعه می‌بریم‌تان؟ علاقه شخصی دارید به حوزه آسیای میانه؟ انتقام جنگ‌های ازبکان خانات بخارا علیه صفویان را می‌خواید بگیرید؟

من واقعا متوجه نمی‌شوم. البته روزنه امیدی که وجود دارد این است که اگر مصر، ازبکستان را ببرد و ما هم این طرف برنده شویم، دیگر با ازبکستان بازی نمی‌کنیم. برای همین امروز تمام نگاه‌ها به محمد صلاح دوخته شده که ما را در این فیفادی از شر ازبکستان (البته به بیانی بهتر، ازبکستان را از شر ما) نجات دهد.

در آخر جا دارد بگویم بر خودمان هم پوشیده است که چطور یک همچین مسئله‌ای برای ما دغدغه شده. یاد حرف دوستی افتادم که چند وقت پیش می‌گفت علاقه زیاد به فوتبال زوال عقل می‌آورد. ما اولش باور نکردیم ولی الان نشانه‌هایش در حال بروز است.



در میانه خیابان‌های پر‌هیاهوی پایتخت، مجسمه‌ای از شاپور ساسانی، از دل سنگ قد برافراشته است تا چیزی فراتر از گذشته را یاد‌آورد؛ عظمت یک ملت که هیچ‌گاه در غبار فراموشی گم نشد. نگاه مردم، آمیخته از شگفتی و پرسش، به قامت پادشاه دوخته شد. برخی آن را نشانه بیداری می‌دانند و برخی بازی با خاطر؛ اما شاید حقیقت، میان این دو باشد. شاید مجسمه میدان انقلاب، نشانه آغاز باشد؛ آغاز گفت‌وگویی تازه میان ما و تاریخ‌مان. گفت‌وگویی که اگر با صداقت و دانش ادامه یابد، می‌تواند گسیست نیم‌قرنی میان گذشته و حال را ترمیم کند. شاید این بار‌قرار است شاپور از دل سنگ برخیزد تا به یاد ما آورد که ریشه‌ها هنوز زنده‌اند، اگر کسی گوش بسپارد.

رونمایی از مجسمه زانوزدن والرین، امپراتور روم، در برابر شاپور ساسانی در مرکز تهران را باید یکی از نمادین‌ترین رخدادهای فرهنگی پس از جنگ ۱۲روزه دانست. رخدادی که می‌کوشد در میان گردوغبار اضطراب و ناامیدی، از تاریخ کهن ایران نوری بر چهره امروز بتاباند. یادآوری پیروزی‌های تاریخی ایران بر امپراتوری‌های بزرگ جهان، از نگاه بسیاری اقدامی غرورآفرین و تلنگری است بر حافظه جمعی ملت. اما آیا این بازگشت به گذشته، نشانه تغییری واقعی در رویکرد رسمی نسبت به تاریخ ملی است یا صرفا استفاده‌ای ابزاری از احساسات و سرمایه عاطفی مردم در روزگاری آشفته؟ نمی‌توان یک مقته پیش، راه ورود مردم را به مقبره کوروش بست و امروز با شور و افتخار از مجسمه شاپور رونمایی کرد. نمی‌توان در شرایطی که رئیس‌جمهور از احتمال تخلیه تهران سخن می‌گوید، به گذشته تفاخر کرد و از آینده سخنی نگفت. پیوند میان گذشته و آینده، اگر گسسته باشد، تاریخ به جای الهام‌بخش بودن، به شوخی تلخ بدل می‌شود. تاریخ ملی را نمی‌توان گزینشی خواند و تنها بخشی از آن را برای تقابل‌های مقطعی یا غرب یا برای پرکردن خلأ امید در جامعه مصرف کرد. مشکل امروز نه در بازگشت به تاریخ نیست، در سطحی‌نگری و گزینش ابزاری آن است. مردم ایران، برخلاف تصور سیاست‌گذاران، حافظه‌ای

کشورهای توسعه‌یافته چطور مدارس را نوسازی می‌کنند؟

فرآگیری استفاده از اینترنت و بستری‌های ارتباطی آنلاین طی یک دهه اخیر، حوزه‌های مختلفی را تحت تأثیر خود قرار داده و فرصت‌های ویژه‌ای را برای تحقق اهداف کلیدی و زیرساختی در کشورهای مختلف فراهم آورده است. آموزش آنلاین با بهره‌گیری از ظرفیت اینترنت برای تسهیل دسترسی همه دانش‌آموزان در نقاط مختلف کشورها به دوره‌های آموزشی یکی از همین ظرفیت‌های مهم است که در اغلب کشورها به صورت ویژه در دستور کار قرار گرفته و گام‌های بلندی را به سمت تحقق «عدالت آموزشی» محقق کرده است. در این گزارش مروری کوتاه بر ایده‌ها و سیاست‌های اجرایی‌شده در کشورهای مختلف دنیا به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته برای استفاده از آموزش مجازی و بلتفرم‌های دیجیتال با رویکرد توسعه آموزش به مناطق محروم و تحقق عدالت آموزشی داشته‌ایم.

تجربه کشورهای توسعه‌یافته

آمریکا یکی از نخستین کشورهایی است که مدارس دولتی مجازی را با عنوان Virtual Public Schools راه‌اندازی کرد. در این مدل، دانش‌آموزان به جای حضور فیزیکی در مدرسه، از طریق وب‌سایت‌های رسمی ایالتی آموزش می‌بینند. ثبت‌نام، حضور و غیاب، نمره‌دهی و تعامل با معلم، همگی در بستر دیجیتال انجام می‌شود. در استرالیا نیز به دلیل گستردگی جغرافیایی و وجود نواحی بیابانی، سیستم آموزش از راه دور بسیار توسعه‌یافته است. از دهه ۱۹۵۰ «School of the Air» با آموزش از طریق رادیو آغاز شد و همین مسیر امروزه با اینترنت ادامه دارد. در دوران کرونا، بریتانیا پروژه Oak National Academy را برای پشتیبانی از دانش‌آموزان در سراسر کشور راه‌اندازی کرد. این آکادمی هزاران ویدئو و محتوای درسی را به صورت رایگان در اختیار دانش‌آموزان و معلمان قرار می‌دهد. در فنلاند هم مدارس کوچک مناطق شمالی از مدل‌های ترکیبی (حضوری+آنلاین) استفاده می‌کنند تا کمبود معلم جبران شود. مطابق همین مدل در آلمان

۴۰ گرم

یک استارت‌آپ فرانسوی-مجارستانی از پهباد هوشمندی رونمایی کرده که با شنیدن صدای بال‌زدن پشه‌ها، آنها را شناسایی و با پروانه‌هایش نابود می‌کند و براساس ادعای مدیران، پشه‌ها را به معنای واقعی کلمه پودر

می‌کند. این پهباد ۴۰ گرمی با میکروفون‌ها و حسگرهای دقیق صوتی، در محدوده‌ای مشخص گشت‌زنی می‌کند، بدون نیاز به دخالت انسان است و قیمتش هزارو صد دلار و اشتراک ماهانه آن ۵۰ دلار هزینه دارد.



کفتربازی در ایران سابقه‌ای چندصدساله دارد و ریشه‌های آن به دوره‌های صفوی و حتی پیش‌تر بازمی‌گردد. در گذشته، این سنت بیشتر در میان طبقات شهری و به‌ویژه در محله‌های قدیمی رواج داشت. بام‌های تهران، اصفهان، تبریز و شهرهای شمالی پر از کوترخانه‌هایی بود که عشق‌بازها از آنها مراقبت می‌کردند. برای بسیاری از عشق‌بازها، این کار نه فقط یک سرگرمی، بلکه نوعی دیسگتی فرهنگی و یادگار دوران گذشته است؛ پیوندی میان انسان، پرند و آسمان. عکس: اصلاان ارفع

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

تماشای دوباره ایران در چهره شاپور



قادر باستانی تبریزی

دقیق و تاریخی دارند. آنان میان تکریم واقعی میراث ملی و بهره‌برداری تبلیغاتی از آن تفاوت قائل می‌شوند. اگر اقرار است تاریخ ایران باستان به صحنه عمومی بازگردد، باید با احترام به علم، هنر و حقیقت بازگردد. باید دانشمندان، باستان‌شناسان، نویسندگان و فیلم‌سازان آزاد باشند تا روایت‌های خود را از کوروش، داریوش، اردشیر و شاپور بسازند. باید اجازه داده شود شکوه تخت جمشید، حکمت اوستا و حماسه‌های شاهنامه در قالب‌های نو بازآفرینی شود.

در غیر این صورت این تلاش‌های ظاهری نه احیای غرور ملی، بلکه نتیجه عکس دارد. همان‌گونه که در این مجسمه، شاپور ساسانی نه نماد اقتدار و درایت، بلکه به شکلی خشن تصویر شده است. این خدمت به ایران نیست، بلکه بی‌مهری به تاریخ میهن ماست.

از قضا درست در روز پیش از این مراسم، یونسکو منشور کوروش را به‌عنوان سندی بنیادین در تاریخ تمدن بشری و نخستین نمود مکتوب از اصول آزادی، عدالت، مدارا و احترام به تنوع فرهنگی به رسمیت شناخت. تصمیمی که اگر جدی گرفته شود، می‌تواند آغازگر دوره‌ای تازه در آموزش، فرهنگ و دیپلماسی ایران باشد. اما شرط آن است که ایران‌گرایی به یک منظومه هم‌افزا در همه عرصه‌ها ازجمله در آموزش و پرورش، رسانه ملی، سینما، معماری، ادبیات و حتی دیوارنگاره‌های شهری تبدیل شود. شکوه ایران باستان نه در شعار و تبلیغات سیاسی، بلکه در بازآفرینی هنرمندانه آن در ذهن و زبان نسل امروز زنده می‌شود.

راه‌حل کشورهای مختلف برای آموزش همگانی بر پایه فضای مجازی

کشورهای توسعه‌یافته چطور مدارس را نوسازی می‌کنند؟

نیز هر ایالت سبک خاصی از آموزش دیجیتال را اجرا می‌کند و آموزش مجازی به‌ویژه در مناطق روستایی با برفی کاربرد دارد.

تجربه کشورهای آسیایی

هند از موفق‌ترین کشورهای در حال توسعه در زمینه آموزش از راه دور است. پروژه eVidyaloka با هدف رساندن آموزش باکیفیت به روستاها ایجاد شد. در این مدل، معلمان داوطلب از شهرهای بزرگ با استفاده از پلتفرم‌های مخصوص به کلاس‌های مدارس روستایی متصل می‌شوند و دانش‌آموزان هم از آن بهره‌مند می‌شوند. در کشور روسیه هم به دلیل وسعت زیاد و وجود مناطق کم‌جمعیت در سیبری و شمال، از مدل آموزش دیجیتال برای پوششش کشوری استفاده می‌کند. پلتفرم InternetUrok یکی از نمونه‌های مهم آموزش از راه دور در روسیه است که هم دروس ضبط‌شده و هم کلاس‌های زنده ارائه می‌دهد. در این میان چین یکی از پیش‌روترین کشورها در زمینه آموزش مجازی برای مناطق دور است. در مدل ارائه‌شده در این کشور، یک معلم شهری از طریق اینترنت به کلاس روستایی متصل می‌شود، درحالی‌که معلم محلی نقش تسهیلگر را دارد. این مدل از طرف شرکت‌های فناوری پیشرفته و تقویت زیرساخت‌های اینترنتی پشتیبانی می‌شود. کشور اندونزی هم با هزاران جزیره و مناطق پراکنده، یکی از چالش‌برانگیزترین محیط‌های آموزشی را دارد. یک پلتفرم اختصاصی در این کشور ماموریت این حوزه را بر عهده دارد و به‌عنوان راهکار رسمی برای مناطق کم‌جمعیت معرفی شده تا دانش‌آموزان بتوانند از طریق محتوای‌های ضبط‌شده و کلاس‌های زنده آموزش ببینند. در کشور فیلیپین هم دولت با همکاری شرکت‌های خصوصی پروژه‌ای با عنوان School Connectivity Drive را اجرا کرده است. در این طرح، مدارس روستایی به اینترنت ماهواره‌ای و تبلت‌های آموزشی مجهز می‌شوند تا دانش‌آموزان از پلتفرم‌های آموزش دیجیتال استفاده کنند.

الگوگیری برای ایران

تجربه کشورهای فوق نشان می‌دهد در مناطقی که اعزام معلم حرفه‌ای برای کشور دشوار و پرهزینه است، آموزش مجازی و پلتفرم‌های دیجیتال آموزشی می‌توانند جایگزینی مؤثر و کم‌هزینه باشند. در دنیای امروز، آموزش باکیفیت دیگر محدود به مکان نیست. کشورهایی که زیرساخت دیجیتال را جدی گرفته‌اند، توانسته‌اند نابرابری آموزشی میان شهر و روستا را کاهش دهند. برای کشوری مانند ایران که وسعت جغرافیایی و پراکندگی جمعیت منجر به عقب‌افتادن خیلی از دانش‌آموزان مناطق دور از مرکز از هم‌سن‌سال‌های خود که در شهرهای بزرگ سکونت دارند، شده است، ارائه خدمات پلتفرمی مثل «فیلمو مدرسه» در مناطق دوردست می‌تواند همان نقشی را ایفا کند که Florida Virtual School در آمریکا یا eVidyaloka در هند پیش از این ایفا کرده‌اند. درواقع مشکلی که امروز ما با آن روبه‌رو هستیم، راه‌حل کاملاً مشخص و تجربه‌شده در بسیاری از نقاط جهان دارد. سرمایه‌گذاری بر تولید محتوای استاندارد، تربیت معلمان دیجیتال و استفاده از فناوری‌های کم‌هزینه (مانند اینترنت ماهواره‌ای و سرورهای ملی) مسیر دستیابی به عدالت آموزشی در سراسر کشور را هموار خواهد کرد و «فیلمو مدرسه» در تمام ابعاد فرایند یادگیری، پلتفرم و نیروی انسانی لازم برای رسیدن به این امر را فراهم کرده است. سیستم حاکم بر شبکه مدارس در کشور و ساختار سنتی مدارس بی‌شک پشتوانه‌ای استاندارد و جواب‌پس‌داده برای تربیت و آموزش محسوب می‌شوند، اما با توجه به وجود مناطق محروم و برخی محدودیت‌ها برای دسترسی همه محصلان به این سیستم آموزشی، آموزش برخط می‌تواند گزینه‌ای کم‌هزینه و پربهره باشد. برای رفع این دست محرومیت‌ها می‌توان به جای توسعه و گسترش فیزیکی و جغرافیای مدارس، از ظرفیت کلاس‌های آنلاین برای تحقق عدالت آموزشی استفاده کرد که بر پایه این ظرفیت گاهی می‌توان با یک معلم، پوشش آموزشی یک استان را تضمین کرد؛ نکته‌ای که علاوه بر بهبود فرایند آموزش، کمبود نیروی انسانی در حوزه آموزش و تعلیم را هم جبران خواهد کرد.

۶/۷ ریشتر

زمین‌لرزه‌ای به قدرت ۶.۷ ریشتر در سواحل استان «ایواته» در شمال شرق ژاپن رخ داد و در این منطقه هشتاد سونامی صادر شد. برای دوهزارو ۸۰۰ ساکن شهر «اوفوناوتو» و مناطق ساحلی این شهر دستور تخلیه

صادر شده است. همچنین در چند شهر دیگر نیز دستور تخلیه صادر شده است. پیش از این در دوم آبان‌ماه ۱۴۰۴ زلزله‌ای به بزرگی ۵.۷ ریشتر هوکایدو واقع در شمال ژاپن را لرزاند

پرسش‌خوانی

پزشک بد یا نبود پزشک؟ مسئله این است!



علی مرسلی

دندان‌پزشک

به نظر شما، یک پزشک متوسط یا ضعیف بیشتر به نجات جان انسان‌ها کمک می‌کند یا نبود پزشک؟ فرض کنید در منطقه‌ای زندگی می‌کنید که به پزشک دسترسی ندارید، آیا تربیت پزشکی با دانش متوسط می‌تواند سلامت جامعه را ارتقا دهد؟

شاید پاسخ روشنی برای این پرسش در جامعه ما وجود نداشته باشد، اما بیش از یک قرن پیش، پزشکی به نام ابراهام فلکسنر با پژوهش تاریخی خود به این مسئله پاسخی قاطع داد: «نداشتن پزشک بهتر از داشتن پزشک بد است». در سال ۱۹۱۰، فلکسنر به سفارش بنیاد کارنگی گزارشی با عنوان «Medical Education in the United States and Canada» منتشر کرد. او ۱۵۵ دانشکده پزشکی را بررسی کرد و نتیجه گرفت که بخش زیادی از آنها فاقد استانداردهای آموزشی، آزمایشگاه و آموزش بالینی مؤثر هستند. این گزارش، نقطه عطفی در تاریخ آموزش پزشکی شد؛ چراکه بسیاری از مدارس پزشکی خصوصی و ضعیف در آمریکا تعطیل یا ادغام شدند (تعداد آنها تا حدود سال ۱۹۳۰ به حدود ۷۵ مدرسه کاهش یافت). آموزش پزشکی از شکل تجاری به نظام دانشگاهی و پژوهش‌محور تبدیل و استانداردهایی سخت‌گیرانه برای پذیرش دانشجویان و آموزش پایه (Basic Sciences) وضع شد.

هرچند نمی‌توان دقیقاً گفت این تغییرات مستقیماً باعث افزایش امید به زندگی شدند، اما در دهه‌های بعد، کیفیت آموزش پزشکی بالا رفت (حدود هشت درصد بهبود امید به زندگی در یک دهه) و بستر لازم برای پیشرفت‌های علمی و بالینی قرن بیستم فراهم شد.

فلکسنر برای آموزش پزشکی مدلی طراحی کرد که هنوز هم – با تغییراتی – در سراسر جهان اجرا می‌شود: آزمون ورودی علمی و شفاف برای پذیرش دانشجویان

آموزش پایه علوم زیستی پیش از ورود به مرحله بالینی کارآموزی و اینترنتی در بیمارستان آموزش استادان تمام‌وقت با فعالیت پژوهشی مستمر.

این ساختار، آموزش پزشکی را از تجربه‌محوری و تجارت‌محوری به علم و پژوهش پیوند زد. اما وقتی پای معیارهای فلکسنری به میان می‌آید، هنوز در برخی بخش‌ها دچار مشکل هستیم. مهم‌ترین مسئله، فرایند ارزیابی و پذیرش در رشته‌های علوم پزشکی است که در اینجا به دلیل وجود سهمیه‌های متعدد و غیرشفاف، از هدف اصلی خود یعنی انتخاب شایسته‌ترین داوطلبان فاصله گرفته است. اکنون باید از خود پرسیم با این تعداد دانشکده، این مدل سهمیه‌ها و این ظرفیت پذیرش، آیا واقعا در حال تربیت پزشکانی با کیفیت بالا هستیم؟ اگر پاسخ منفی است، نظام آموزش و درمان ما – بیش از آنکه با بحران اعتماد و کیفیت روبه‌رو شود – به یک بازنگری جدی به سبک فلکسنر نیاز دارد؛ بازنگری‌ای که کیفیت را بر کمیت مقدم بداند و عدالت آموزشی و سلامت عمومی را توأمان در نظر بگیرد.

خبرخوانی

کسی نمی‌تواند سرخود کنسرت را لوفکند

دیر شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر اینکه کسی نمی‌تواند بگوید من استاندارد، فرماندار یا امام‌جمعه هستم و کنسرتی را لغو کند، گفت: گاهی اوقات برنامه را اداره میراث یا اوقاف در استانی اجرا کرده است، اما یک عده سرخود می‌روند و به آن اصل برنامه آسیب می‌زنند، طبیعتاً مسئولان آن شهر یا استان باید مراقب باشند تا این نوع برخوردها اتفاق نیفتد. حجت‌الاسلام‌المسلمین عبدالحسین خسروپناه در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: نکته اول در این زمینه فرهنگ‌سازی است؛ یعنی تابع قانون‌بودن. به این معنی که هیچ‌کس فراتر از قانون نیست، کسی نمی‌تواند بگوید من استاندارد، فرماندار، امام‌جمعه، روحانی یا بزرگ محل هستم و اجازه اجرای یک برنامه را به دلیل اینکه خلاف شرع می‌دانم یا نمی‌پسندم نمی‌دهم، بنابراین اینکه ما در هر موضوعی اعم از موسیقی یا... دچار قانون‌گریزی و قانون‌سنیزی شویم بسیار خطرناک است.